

**یادداشت**

**دستور احتیاطی ترامپ علیه ایران**

با ۳ هدف



**علیرضا سلطانی**

دونالد ترامپ دو هفته بعد از ورود دوباره به کاخ سفید در اقدامی قابل‌پیش‌بینی دستوری علیه ایران به امضا رساند. دستوری که پیش از این بسیاری انتظار داشتند در همان روزهای ابتدایی شروع‌به‌کار به امضا رساند اما این اقدام با دو هفته تأخیر صورت گرفت. تأخیر ترامپ در امضای دستور علیه ایران با هدف انجام شد، زیرا رئیس‌جمهور جدید آمریکا امیدوار به بازبودن درهای مذاکره و رسیدن به توافق با ایران است و توافق با ایران برای او و پیش‌بردن اهداف سیاسی و اقتصادی آمریکا در خاورمیانه و جهان اهمیت فراوان دارد. بر این اساس رفتار ترامپ در برابر ایران در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، پس از پیروزی در انتخابات و ورود به کاخ سفید احتیاط‌آمیز و به‌دور از هیجانات سیاسی خاص ترامپ بوده است. این رفتار درباره اعضای تندروی جدید آمریکا نیز محسوس است. دستور اخیر ترامپ علیه ایران را نیز در این چارچوب یعنی رفتار محتاطانه باید تحلیل کرد. این دستور برخلاف دستورات پیش از این ترامپ که ماهیت اجرایی داشت، دستوری احتیاطی و به معنای واقعی هشداری با دستور برای آمادگی برای اقدام و اجرا علیه ایران است و مستلزم اقدام اجرایی سریع در قالب واکنش حداکثری نیست. این مسئله از اظهارنظر ترامپ در هنگام امضای دستور اجرایی مبنی بر عدم تمایل به امضای این دستور و تحت فشار مشاوران و عناصر خارج از کاخ سفید، مشخص است. اما سؤال این است که چرا ترامپ علی‌رغم به قول خود میل قلبی، این دستور احتیاطی را علیه ایران امضا کرد؟ در پاسخ به این سؤال سه هدف را می‌توان برای کاخ سفید و شخص ترامپ برای امضای این دستورا‌عمل در نظر گرفت:

هدف نخست، اعطای یک هدیه یا امتیاز حداقلی به دولت اسرائیل و شخص نتانیاھو بود. دستور احتیاطی ترامپ علیه ایران قبل از دیدار با نتانیاھو امضا شد و این حاوی یک پیام سیاسی به اسرائیل، منطقه خاورمیانه، جهان و ایران بود که اسرائیل در اولویت برنامه‌های دولت جدید آمریکا قرار دارد و ترامپ بر مبنای شاخص‌ها و استانداردهای جدید کاخ سفید از این کشور حمایت می‌کند (حمایت حساب‌شده و نه بی‌حساب و حداکثر مانند گذشته). درعین‌حال ترامپ با اینن امضا قصد جذب نتانیاھو و همراه‌ساختن وی در سیاست منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه را دارد و با توجه به حساسیت اسرائیل نسبت به ایران، ترامپ مایل بود امتیازی در حوزه ایران به نتانیاھو بدهد تا نخست‌وزیر اسرائیل با دست پر به کشورش برگردد. امتیاز حداقلی که برای شخص نتانیاھو از اهمیت برخوردار است هرچند به نظر می‌رسد ترامپ در ماه‌های آینده قصد دارد با این امتیاز، امتیازات زیادی از اسرائیل بگیرد که در رأس آن مهار این رژیم در جلوگیری از حمله نظامی به ایران و همچنین پایندی آن به آتش‌بس با لبنان و حماس است.

دومین هدف ترامپ در امضای دستور احتیاطی علیه ایران، تحت فشار قراردادن ایران به آغاز مذاکره است. تیم ترامپ فکر می‌کرد با عدم دستور اجرایی در ابتدای شروع‌به‌کار و روی آوردن به برخی سیاست‌های ایجابی مثبت مانند قطع حمایت‌های مالی از گروه‌های سیاسی و رسانه‌ای ضد ایران و همچنین عدم محکومیت ایران در مسائل ضدحقوق بشری می‌تواند ایران را به آغاز مذاکره زود هنگام با اعلام مواضع صریح برای مذاکره تشویق کند اما با وجود مواضع کلی برخی دولت‌مردان نسبت به تمایل به مذاکره، اجماع واحد، صریح و مشخصی در حاکمیت ایران برای مذاکره با آمریکا صورت نگرفت و در مقابل حتی مواضع متناقض و تندی نیز در بدنه حاکمیت سیاسی ایران شکل گرفت که این تضاد درمورد دولت پژوهشگران نیز خود را نشان داد. مواضع ضد و نقیض معاون راهبردی رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه و همچنین گمانه‌زنی درباره مسئولیت پرونده هسته‌ای در دولت مواردی از این شرایط مبهم و متناقض است که حاوی پیام‌های مشخص و جامعی از ایران برای طرف آمریکایی نیست. صدور این دستور احتیاطی از سوی ترامپ می‌تواند این خاصیت را داشته باشد که به شکل‌گیری اجماع در ایران نسبت به مذاکره یا عدم مذاکره با هدف جدید آمریکا کمک کرده و تکلیف دولت آمریکا را برای مذاکره یا اعمال فشار حداکثری روشن کند. گویا دولت ترامپ نسبت به تعیین تکلیف مسائل خود در سیاست خارجی تعجیل دارد و این تعجیل در موارد دیگر مانند مهاجرت و تعرفه‌های تجاری خیلی سریع آثار خود را نشان داده و درباره جنگ اوکراین و ایران نیز باید تعیین تکلیف شود.

هدف سوم، پرپودن دست آمریکا برای چانه‌زنی با ایران در صورت آغاز مذاکره است. از نظر دولت‌مردان و مشاوران ترامپ وجود یک دستور احتیاطی و نه اجرایی، علاوه بر اینکه ایران را مجبور به ورود سریع به مذاکره با آمریکا می‌کند در عین حال قدرت چانه‌زنی آمریکا و تحت فشار قراردادن ایران در مذاکرات احتمالی و مهم‌تر از همه جلوگیری از طولانی‌شدن مذاکره و دادن فرصت به ایران برای خرید زمان و همچنین رسیدن به توافق سریع را بالا می‌برد. بنابراین هدف سوم ترامپ ماهیت تاکتیکی در مذاکره بود. چنان‌که در هدف دوم بیان شد ترامپ تمایل زیادی به تعیین تکلیف چالش‌های خود در عرصه داخلی و خارجی دارد و درباره ایران نیز مایل است سریع به نتیجه برسد. بنابراین در صورت آغاز مذاکره باید انتظار داشت که مذاکره با ایران طولانی نباشد و سریع به نتیجه برسد. نتیجه‌ای که الزاما به نفع کامل آمریکا و زیان کامل ایران نخواهد بود بلکه توافق احتمالی ایران و آمریکا، ماهیتی نسبتاً برد- برد خواهد داشت و این برای آمریکا و غرب با توجه به تجربیات تاریخی گذشته و با هدف ماندگاری توافق، قابل فهم است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، همواره نشان داده

که استاد خلق تناقض‌ها و بازی با انتظارات است. اظهارات اخیر او درباره ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. او در حالی که با اکراه یادداشت تحریمی جدید علیه ایران را امضا می‌کند، از تمایل خود برای یک «توافق عالی» با تهران سخن می‌گوید. اما آیا این دوگانگی رفتاری، ناشی از سردرگمی او در تصمیم‌گیری در ارتباط با ایران است یا بیانگر یک استراتژی حساب‌شده برای مهار و هدایت ایران به سمت اهداف مورد نظر آمریکا؟ آنچه در رفتار ترامپ آشکار است، کسب حداکثر سود و حداقل‌سازی ریسک است. او با اعمال فشار و تهدید، تلاش می‌کند دیگران را به پای میز مذاکره بکشاند و در آنجا، امتیازات بیشتری مطالبه کند.

او بعد از امضای تحریم‌های حداکثری علیه ایران و پس از دیدار با نتانیاھو، در یک کنفرانس خبری خطاب به ایران گفت: «این را خطاب به ایران که با دقت گوش می‌دهد، می‌گویم؛ من دوست دارم بتوانیم یک توافق عالی داشته باشیم، توافقی که شما بتوانید به زندگی خود ادامه دهید و به شکوفایی برسید. شما به شکوفایی خواهید رسید. مردم ایران، مردمی شگفت‌انگیز، سخت‌کوش، زبیا، و واقعا یک گروه باورنکردنی از مردم هستند. اما من از انجام این کار (بازگشت تحریم‌ها) متنفر بودم، من واقعا خواهان صلح هستم و امیدوارم بتوانیم به این هدف برسیم. من هیچ محدودیتی تعیین نمی‌کنم، اما یک چیز را نمی‌توانند داشته باشند: آنها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند. این کار بسیار آسان است». ترامپ در سخنانش پنج بار از عبارت «امیدواربودن» صحبت کرد. عبارتی که نشان‌دهنده عدم یقین و تردید است. گویی در اتخاذ رویکردی کم‌خطر نسبت به ایران سردرگم است. چنانچه پیش از این هم که از او درباره ایران سؤال شده بود، هیچ‌گاه پاسخ شفافى نداده بود. او پس از امضای تحریم‌های علیه ایران، در جایی از سخنانش در جملاتی کوتاه و بریده می‌گوید: «امیدوارم آن را امضا کنم، اما امیدوارم نیازی به استفاده زیاد از آن نداشته باشیم».

این کلمات نشان می‌دهند او حتی تا زمان امضا نیز مردد است: «امیدوارم آن را امضا کنم». اما این تردید از

# ترامپ و ایران: رقص شمشیر بر لبه پرتگاه



**صادق زنگنه**

کجا نشنت گرفته است؟ ترامپ به‌شدت به تصویر خود در آذهان عمومی اهمیت می‌دهد. او مایل است به عنوان فردی قوی، مصمم و قادر به حل مشکلات پیچیده شناخته شود. این موضوع، تأثیر بسزایی بر تصمیمات او دارد. عطش او به دیده‌شدن به‌عنوان قوی‌ترین فرد جهان، به‌حدی است که ممکن است باعث شود منافع شخصی را بر منافع ملی ترجیح دهد، چنانچه در تصمیم‌گیری بر سر تعرفه‌های واردات به خاک آمریکا، با اینکه خود معترف بود می‌تواند تأثیر منفی بر زندگی آمریکایی‌ها داشته باشد، اما آن را امضا کرد.

از سویی دیگر او مایل است به عنوان فردی صلح‌طلب و خواهان توافق با ایران دیده شود. در حدی که خود را شایسته دریافت جایزه صلح نوبل می‌داند. از این‌رو مایل است اختلافات میان آمریکا و ایران را حل کند و آن را به‌عنوان دستاوردی به‌یادماندنی در کارنامه خود ثبت کند. او در حالی که از امضای یادداشت تحریمی ابراز نارضایتی می‌کند، بر لزوم اعمال فشار حداکثری بر ایران نیز تأکید دارد. در جملات بعدی‌اش دلیل نگرانی خودش را این‌طور عنوان می‌کند: «خواهیم دید که آیا می‌توانیم با ایران به توافقی برسیم که همه بتوانند در کنار هم زندگی کنند.

شاید ممکن باشد، شاید هم نباشد».

تحلیل جملات بعدی او و ادبیاتش نشان می‌دهد که ترامپ نمی‌خواهد به عنوان فردی ضعیف در برابر ایران ظاهر شود. اما دوراهی تصمیم قاطعانه و ترس از به توافق نرسیدن او را سردرگم کرده است. می‌گوید: «پس من این را امضا می‌کنم، و از انجام آن خوشحال نیستم، اما واقعا انتخاب زیادی ندارم، زیرا باید قوی و قاطع باشیم» و در ادامه رؤیایش را با صدای بلند بیان

## حرکت اول ترامپ

نمی‌رسیدیم»، با وجود این، دیپلمات ارشد کشورمان هنوز به وجود «فرصت برای مذاکره و توافق» باور دارد. هرچند دلفی «این فرصت را بسیار محدود و کوتاه می‌داند»، ولی هم‌زمان هشدار می‌دهد: «اگر تهران از همین فرصت باقی‌مانده تا زمان اجرایی‌شدن تمام و کمال سیاست فشار حداکثری استفاده نکرده و باب گفت‌وگو و مذاکره را باز نکند، با دو مشکل هم‌زمان ناشی از اجرایی‌شدن سیاست فشار حداکثری و به صفر رساندن فروش و صادرات نفت ایران و همچنین احتمال فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها به شکل توأمان مواجه خواهد بود». این درحالی است که سفیر اسبق ایران در شیلی، «وضیعت کنونی کشور را حتی با وضعیت سال‌های ۹۲، ۹۸ و ۱۴۰۰ یکسان نمی‌داند و تأکید دارد: «تهران در این مدت محدود باید دست به تصمیمات بزرگ بزند».

دلفی در ادامه گفت‌وگو با «شرق» و ذیل پاسخ به این سؤال که «چرا دونالد ترامپ برخلاف مواضع مثبت و امیدوارکننده خود در دو هفته گذشته پس از بازگشت به کاخ سفید در یک اقدام پیش‌بینی‌ناپذیر و ناگهانی، دستور بازگشت احیای کمپین فشار حداکثری علیه ایران را امضا کرد؟»، معتقد است: «ایسن اقدام ترامپ مانند حرکت اول است تا در نهایت فضای رقابت را در اختیار بگیرد». کم‌اینکه سفیر اسبق ایران در فرانسه به «مناسبات دو هفته اخیر ایالات متحده آمریکا با پاناما، مکزیک کانادا و دانمارک درباره جزیره گرینلند اشاره دارد» و از منظر او: «تقابل سریع رئیس‌جمهور آمریکا با این کشورها اکنون سبب شده است که حتی هم‌پیمانان ایالات متحده در نوعی ابهام و گیجی دیپلماتیک قرار بگیرند».

با چنین برداشتی، سفیر پیشین ایران در صربستان توصیه می‌کند: «تا پیش از آنکه مراحل پایانی عملیاتی‌شدن سیاست فشار حداکثری انجام شود و هم‌زمان، هماهنگی اروپا و آمریکا برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه باعث بازگرداندن قطع‌نامه‌ها شود، تماس و مذاکره، هم با اروپا و هم با آمریکا به شکل جدی و عملی آغاز شود». در بخش دیگری از گفت‌وگوی «شرق»، ابوالقاسم دلفی به تحلیل دوگانه «مذاکرات هسته‌ای» یا «مذاکرات جامع» بین ایران و غرب می‌پردازد و مجدداً با استناد به بخشی از گفته‌های سه‌شنبه‌شب دونالد ترامپ

می‌کند: «عالی خواهد بود اگر بتوانیم خاورمیانه‌ای و شاید دنیایی کاملاً در صلح داشته باشیم». اما دلیل این همه تردید و نگرانی چیست؟ غیرقابل پیش‌بینی بودن ایران؟ همان‌طورکه ترامپ می‌خواهد خود را فردی قوی نشان دهد، مستولان ایرانی هم نشان داده‌اند که زیر زور و تهدید نمی‌روند حتی اگر به قیمت تحریم و آسیب‌دیدن محبوبیت در عرصه داخلی شود. آنها نیز بارها اعلام کرده‌اند که حاضر به مذاکره با آمریکا هستند، اما نه با زبان زور و تحقیر. همین رویکرد مقامات ایرانی که نوعی فرهنگ در سرشت ایرانیان است، ممکن است باعث شود تکرار تحمیل تحریم‌های حداکثری، به عنوان اعمال زور و تهدید برداشت شود و آنها را از مذاکره منصرف و وادار به بازی غیرقابل پیش‌بینی کند. برداشت اعمال زور و قدرت درست همان چیزی است که ترامپ می‌خواهد از خود نشان دهد: قوی و قاطع بودن!

اما تردید او نیز از همین‌جا شروع می‌شود. او نگران است با اعمال این رویکرد رؤیای خود را به کابوس بدل کند و با پاپس‌کشیدن احتمالی ایران از انجم مذاکره، چهره صلح‌طلبانه و دستاورد توافقی بـادوام با ایران دست‌نیافتنی شود و دوران ریاست‌جمهوری‌اش را سپری کند درحالی‌که در تشویش جنگ در خاورمیانه است و نگران از برهم‌خوردن آرامش اقتصاد جهانی که متأثر است از صادرات نفت منطقه. این همان چیزی است که چهره ترامپ را در امضای تکرار تحریم‌های علیه ایران مردد نشان داد. برای مقامات ایرانی نیز ارزیابی صداقت ترامپ کار دشواری است. او بارها مواضع متناقضی اتخاذ کرده و سابقه برهم‌زدن تفاهم برجام را نیز دارد. با این حال نمی‌توان به‌طورکامل امکان مذاکره با او را رد کرد. ترامپ فردی عمل‌گراست و احساس می‌کند مذاکره با ایران به نفع اوست. «تردید ترامپ» برای ایران تنها یک برگ آس است نه دستی بر برای بازی ماجراجویانه. ترامپ همان قدرکه می‌خواهد به‌عنوان فردی قاطع و قوی دیده شود، با یک تلفن مستقیم تغییر موضع می‌دهد، چنانچه در دوره قبل ریاست‌جمهوری‌اش چندین بار این موضوع را تکرار کرده بود. به هر صورت اکنون نوبت حرکت ایران است، باید دید ایران چه حرکتی انجام می‌دهد.

**یادداشت**

**از تحریم تا مذاکره**

**بازی محتاطانه آمریکا با ایران**



**حسن ارگی**

تصمیم اخیر رئیس‌جمهور ایالات متحده در امضای یادداشت افزایش اجرای تحریم‌های ایران نشان از تغییراتی در سیاست‌های واشنگتن نسبت به دوره پیشین دارد. برخلاف سیاست فشار حداکثری بی‌چون‌وچرا که در دور اول به اجرا گذاشته شد، به نظر می‌رسد این‌بار کاخ سفید به دنبال راهبردی تدریجی است که ترکیبی از فشار و دیپلماسی را در بر می‌گیرد. رئیس‌جمهور آمریکا این اقدام را تصمیمی دشوار توصیف کرده و در عین حال تأکید داشته که مایل است از دیگری اجتناب کرده و حتی به مذاکره مستقیم با ایران بیندیشد. این نشان می‌دهد که تجربه گذشته احتمالاً به او آموخته است که فشار بیش از حد، به جای وادارکردن ایران به توافق، ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد.

**بازتعریف سیاست فشار و دیپلماسی**

در این مرحله، دولت آمریکا در تلاش است تا بدون بستن درهای مذاکره، فشار خود را حفظ کند. چنین رویکردی می‌تواند براساس این تحلیل باشد که کاهش ناگهانی فشار، اهرم‌های چانه‌زنی واشنگتن را تضعیف می‌کند، اما افزایش بی‌محابای آن نیز ممکن است مسیر دیپلماسی را به کلی مسدود کند. به نظر می‌رسد واشنگتن ضمن تأکید بر جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، در پی آن است که محاسبات ایران را در جهت پذیرش نوعی توافق تحت کنترل خود تغییر دهد. اما احتمال اینکه تهران مسیر متفاوتی را در پیش بگیرد، چندان محتمل نیست، زیرا جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده حاضر نیست زیر فشار مذاکره کند و طرف مقابل قبل از ورود به مذاکره واقعی باید حسن نیت خود را نشان دهد، موضوعی که البته در هفته‌ها و ماه‌های آینده روشن‌تر خواهد شد.

**چشم‌انداز مذاکرات واکنش تهران**

نکته مهم‌تر از تصمیم اخیر کاخ سفید، پیام‌هایی است که احتمالاً از طریق کانال‌های دیپلماتیک میان دو طرف ردوبدل می‌شود. در شرایطی که واشنگتن از ابزار فشار خود بهره می‌گیرد، تأکید تهران بر آمادگی برای مذاکره به شرط انعطاف طرف مقابل برای جلب اعتماد ایران می‌تواند نشانه‌ای از تمایل به یافتن راه‌حلی دیپلماتیک باشد. در این چارچوب، ایران با درنظرگرفتن واقعیت‌های جدید، می‌تواند با تدبیر و رویکردی فعال، به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن حفظ حقوق و منافع ملی، مسیرهای گفت‌وگو و دیپلماسی را به‌عنوان گزینه‌ای واقع‌بینانه در نظر داشته باشد. در عین حال، هرگونه تصمیم‌گیری باید بر مبنای شناخت دقیق از استراتژی طرف مقابل و حفظ ابتکار عمل در مذاکرات باشد. با توجه به آنچه در تحولات اخیر مشاهده می‌شود، به نظر می‌رسد دوران جدیدی از مواجهه میان ایران و آمریکا آغاز شده است؛ دورانی که حداقل در گام نخستین آن نه صرفاً بر پایه فشار حداکثری خواهد بود و نه به‌سادگی به توافقی سریع منجر خواهد شد، بلکه تلفیقی از اعمال فشار تدریجی و بررسی مسیرهای دیپلماتیک خواهد بود.

کارت **خودرووانت دوکابین مزدارنگ نقره‌ای آبی متالیک مدل ۱۳۹۲** به شماره پلاک ایران ۵۰-۶۲۶-۶۷ و شماره موتور FE24269 و شماره شاسی NAGP2PC12DA138722 به نام **پدرام نوروزیان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت شناسایی **خودروسواری تیپ کوئیک GX** به رنگ سفید مدل ۱۴۰۳ شماره پلاک ۵۸ ق ۳۹۶ ایران ۹۴ و شماره موتور M15I183360 و شماره شاسی NAS861110R1099785 به **آقای میلاد ولی زاده** مفقود گردیده اند و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

کارت وسیله نقلیه **کامیون ون زامیاد رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۹۸** به شماره پلاک ایران ۲۰-۷۴۱-۸۵ و شماره موتور Z24800673Z و شماره شاسی NAZPL140BK0536110 به نام **آئی ساز قرن** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت **خودروسایپاوانت ۱۵۱** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۵۰-۶۳۸-۲۱ و شماره موتور M13/6050166 و شماره شاسی NAS451100J4977190 به نام **پدرام نوروزیان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اهدا از صفحه ۳

البته اسلامي این را هم یادآور شد: «ما با آژانس نیز در ارتباط هستیم». البته برخی چهره‌های سیاسی هم نظیر حسن روحانی با انتشار بخشی از سخنان خود در جلسه هیئت دولت به تاریخ ۲۵ فروردین‌ماه ۱۴۰۰ در شبکه اجتماعی ایکس از ضرورت مذاکره گفت و دراین‌باره نوشت: «مگر عراق با ما هشت سال جنگ نکرد؟ صدام و صدامیان این‌همه کشتار و ظلم و جنایت کردند. یک زمانی که لازم شد مذاکره کنیم، امام اجازه مذاکره داد. در شهریور سال ۶۷ مذاکره با عراق را در ژنو شروع کردیم؛ نشستیم، مذاکره کردیم با آن آدم غدار، با آن آدمی که آن‌همه در ایران کشتار کرد.»

با توجه به مجموعه‌ای از مواضع مقامات کشورمان و همچنین گفته‌های دونالد ترامپ، ابوالقاسم دلفی هم در گفت‌وگو با «شرق»، صراحتاً اذعان دارد: «با امضای دستور اجرایی ترامپ برای آغاز دوباره کمپین فشار حداکثری علیه ایران، توپ در زمین تهران است». سفیر پیشین ایران در فرانسه باور دارد: «اگرچه ترامپ با امضای فرمان خود فشار حداکثری را به ایران بازگرداند، اما به‌صراحت خود را اهل معامله و مذاکره نشان داد» که به نظر این کارشناس: «می‌تواند فرصت مناسبی را در اختیار تهران برای آغاز گفت‌وگوها قرار دهد».

دیپلمات پیشین کشورمان با اشاره به «برخی موانع یا ابهامات دال بر اینکه رئیس‌جمهور آمریکا تاکنون سیاست مشخصی در برابر جمهوری اسلامی ایران و آغاز مذاکرات اتخاذ نکرده است، در سایه ارجاعی به گفته دونالد ترامپ مبنی بر اینکه نه‌تنها آماده گفت‌وگو با رئیس‌جمهور پژوهشگران است، بلکه حاضر به تماس با ایران خواهد بود، تصریح می‌کند: «با این جمله ترامپ دیگر بهانه یا توجیهی در داخل کشور برای آغازنشدن مذاکرات وجود ندارد». هرچند سفیر اسبق ایران در صربستان اذعان دارد: «باید خیلی پیش‌تر دولت چهاردهم سیاست تنش‌زدایانه را چه با اروپایی‌ها، چه با دولت جو بایدن و چه پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، از طریق کانال ایلان ماسک عملیاتی می‌کرد تا به این نقطه



دستور اجرایی ترامپ برای آغاز دوباره کمپین فشار حداکثری علیه ایران، توپ در زمین تهران است». سفیر پیشین ایران در فرانسه باور دارد: «اگرچه ترامپ با امضای فرمان خود فشار حداکثری را به ایران بازگرداند، اما به‌صراحت خود را اهل معامله و مذاکره نشان داد» که به نظر این کارشناس: «می‌تواند فرصت مناسبی را در اختیار تهران برای آغاز گفت‌وگوها قرار دهد».

دیپلمات پیشین کشورمان با اشاره به «برخی موانع یا ابهامات دال بر اینکه رئیس‌جمهور آمریکا تاکنون سیاست مشخصی در برابر جمهوری اسلامی ایران و آغاز مذاکرات اتخاذ نکرده است، در سایه ارجاعی به گفته دونالد ترامپ مبنی بر اینکه نه‌تنها آماده گفت‌وگو با رئیس‌جمهور پژوهشگران است، بلکه حاضر به تماس با ایران خواهد بود، تصریح می‌کند: «با این جمله ترامپ دیگر بهانه یا توجیهی در داخل کشور برای آغازنشدن مذاکرات وجود ندارد». هرچند سفیر اسبق ایران در صربستان اذعان دارد: «باید خیلی پیش‌تر دولت چهاردهم سیاست تنش‌زدایانه را چه با اروپایی‌ها، چه با دولت جو بایدن و چه پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، از طریق کانال ایلان ماسک عملیاتی می‌کرد تا به این نقطه

**برگ سبز برپاید سفید مدل ۱۳۹۰** به شماره پلاک ۸۵-۱۹۴-۲۱ ایران

شماره شاسی: S۱۴۲۲۲۹۰۲۶۷۷۴۵

و شماره موتور: ۴۲۶۴۰۸

به نام **مخترم سعیدی** به‌کمدلی ۵۲۴۹۲۷۵۲۲۲

در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۶ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

**برگ سبز خودروسواری پراید تیپ جی تی ایکس آی**

به رنگ سبز- زیتونی مدل ۱۳۸۹ شماره پلاک

۵۱ ق ۹۵۱ ایران ۹۴ و شماره موتور ۳۸۴۹۶۹۷ و شماره

شاسی S1412289700490 به نام **خانم مریم شهابی**

**سیر مندی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.